

پژوهشی در اصول و روش‌های تربیت اخلاقی کودکان از دیدگاه

امام علی علیه السلام و ژان ژاک روسو

محمود امیدی، * سیف‌اله فضل الهی قمشی **

چکیده

هدف پژوهش حاضر، واکاوی اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه امام علی علیه السلام و ژان ژاک روسو است. حضرت علی علیه السلام اولین پیشوای شیعیان، نکات برجسته‌ای را درباره تربیت اخلاقی بیان فرموده‌اند. از سوی دیگر، ژان ژاک روسو مربی و دانشمند برجسته غربی نیز، آراء اخلاقی مهمی را درباره تربیت اخلاقی کودکان بیان می‌نماید. روش پژوهش، توصیفی - تحلیل اسنادی و از روش فیش برداری برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. بدین منظور مطالب از منابع دست‌اول هر دو صاحب‌نظر (نهج البلاغه، امیل) و

* - کارشناس ارشد مطالعات برنامه درسی دانشگاه شاهد تهران. نویسنده مسئول.

mahmoudomidi@yahoo.com

** - استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم.

fazlollahigh@gmail.com

تاریخ تأیید:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۰۷

۱۳۹۴/۰۴/۱۵

هم‌چنین منابع مرتبط انتخاب و استفاده شده است. نتایج پژوهش حکایت از آن دارد که اصول مشترک تربیت اخلاقی امام علی (ع) و روسو به ترتیب عبارتند از: تربیت اخلاقی تدریجی، تربیت اخلاقی آزادمنشانه و تربیت اخلاقی الگوگیری. روش‌های تربیت اخلاقی امام علی (ع) عبارتند از: روش حکمت، روش عقلانی و روش تربیت منفی. از روش‌های تربیت اخلاقی روسو هم می‌توان به روش تجربی، روش عقلانی و روش تربیت منفی اشاره نمود.

واژه‌های کلیدی

تربیت اخلاقی، تطبیق، اصول، روش، امام علی (ع)، روسو.

مقدمه

پیامبران الهی، ائمه معصوم، فیلسوفان، اندیشمندان، معلمان و والدین از دیرباز و در همه جوامع به اخلاق^۱ و تربیت اخلاقی^۲ توجه کرده‌اند. بشر امروزی نیز به دلایل رویاروی با بحران هویت انسانی و ارزش‌های اخلاقی ناگزیر است به ارزش‌های اخلاقی روی آورد (نजारزادگان، ۱۳۸۸: ۲۲). «تربیت اخلاقی» هم به‌عنوان یکی از جلوه‌های متعالی تعلیم و تربیت که هدف عمده آن رشد اخلاقی شاگردان است به‌گونه‌ای که آنان را افرادی «نیک و خیر» بار آورد، امری است که مربیان و معلمان ناچارند مستقیم و غیر مستقیم بدان توجه کنند (رهنما، ۱۳۷۸: ۱).

۱-Moral.

۲-Moral Education.

در عصری زندگی می‌کنیم که اخلاق دچار انحطاط گسترده‌ای شده و از سویی در اثر پیشرفت صنعت و فناوری و ارتباطات نزدیک ملت‌ها، همه چیز در همه جا در دسترس همه دس فرار گفته است؛ به همین دلیل «مفاسد اخلاقی» نیز بسیار گسترش پیدا کرده و مرزها را در هم شکسته و تا اقصی نقاط جهان پیش رفته تا آنجا که صدای بنیانگذاران مفاسد اخلاقی نیز در آمده است. بی‌اعتنایی به ارزش‌های اخلاقی و کم‌رنگ شدن آن در تربیت نسل جدید نیز به چشم می‌خورد و یکی از دلایل مهم این معضلات، نپرداختن متفکران و اندیشمندان تعلیم و تربیت به مسائل ارزشی و اخلاقی است (صمدی و دیگران، ۱۳۹۱).

امروزه تعلیم و تربیت نقش بی‌بدیلی در تربیت همه‌جانبه دانش‌آموزان از جمله تربیت اخلاقی دارد؛ براین اساس، همه مسئولان تعلیم و تربیت به آن توجه می‌کنند. بی‌تردید دانش‌آموزانی که پایبند به تعهدات اخلاقی باشند و در معاشرت و روابط خود با سایرین اخلاق را در نظر بگیرند، می‌توانند ضامن امنیت جامعه باشند.

بیان مسئله

به نظر می‌رسد در حوزه تعلیم و تربیت، یکی از مهم‌ترین، تأثیرگذارترین و در عین حال دشوارترین مباحث، تربیت اخلاقی و اخلاقی بارآوردن کودکان است؛ از این رو، پرداختن به مباحث مربوط به اخلاق و به تبع آن تربیت اخلاقی از جایگاه رفیعی برخوردار است. به عبارت دیگر، سازندگی درونی انسان و اصلاح و تهذیب نفس او در سعادت فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی او نقش بسزایی دارد، به طوری که اگر انسان تمامی علوم را تحصیل کند و تمام

نیروهای طبیعت را به تسخیر خویش در آورد، ولی از تسخیر درون و تسلط بر نفس خود ناتوان باشد، از رسیدن به سعادت و نیل به کمال باز می‌ماند. تمامی پیشرفت‌های علمی و صنعتی در صورتی که با اصلاح درون انسان همراه نباشند، کاخ‌های سر به فلک کشیده‌ای هستند که بر فراز قلّه آتشفشان بنا شده باشند؛ از این رو، تربیت روحی و اخلاقی انسان و «برنامه‌آسان‌سازی» برای هر جامعه‌ای امری حیاتی است. با این وجود، نگاهی به اوضاع جوامع بشری نشان می‌دهد آنچه قبل از همه به دست فراموشی سپرده شده، تربیت اخلاقی و معنوی انسان است (سادات، ۱۳۸۴: ۱).

انسان شدن آدمی، در گرو رسیدن به قلمرو اخلاق و بازشناسی نیک از بد است. به همین دلیل، در قلمرو اخلاق و تربیت اخلاقی، دیدگاه‌های متفاوتی به وجود آمده است. بشر امروزی در عرصه‌های گوناگون، به‌ویژه در قلمرو علم و فناوری به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته است؛ اما در مقوله «اخلاق» و «تربیت اخلاقی» با چالش‌ها و مشکلات زیادی دست به گریبان است. وجود مسایل و چالش‌های گوناگون غیراخلاقی در جوامع بشری، پرداختن به دیدگاه‌ها و اندیشه‌های جدید و تلاش برای حل کردن این مسایل را ضروری می‌نماید.

تعالیم اسلامی سرشار از آموزه‌های اخلاقی است که افراد را به‌سوی پرورش صحیح عقلانی سوق می‌دهند. یکی از این منابع سرشار، کتاب نهج‌البلاغه است. علاوه بر تعالیم اسلامی، مکاتب مختلفی در جوامع غربی نیز به‌سبب مهم‌بودن موضوع انسان و حس نیاز به اصول اخلاقی، به این مهم

پرداخته‌اند که از جمله آن‌ها ژان ژاک روسو^۱ است. آراء وی اصالت و تازگی دارد و حتی بر مریبان بعد از خود او هم مؤثر بوده است.

به نظر روسو، انسان با پرورش خواسته‌های حقیقی طبیعی و تبدیل حرص و تمایلات به گرایش‌های اخلاقی و الا نظیر عشق و عدالت، وظیفه خود را خواهد شناخت و به وحدتی عمیق‌تر با جهان نائل خواهد شد. در حقیقت، اعتقادات روسو در زمینه پرورش اخلاق افراد، ناشی از این امر است که وی اعتقاد دارد انسان قادر است غرائزش را کنترل کند (اولیچ، ترجمه شریعتمداری، ۱۳۷۵: ۴۲)؛ از این رو، مقاله حاضر درصدد واکاوی اصول و روش‌های تربیت اخلاقی کودکان از دیدگاه امام علی علیه السلام و ژان ژاک روسو است.

سوالات پژوهش

اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه امام علی علیه السلام کدامند؟
اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه ژان ژاک روسو کدامند؟

روش پژوهش

در تدوین این مقاله از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده و برای گردآوری داده‌های مورد نیاز در راستای رسیدن به اهداف پژوهش از شیوه فیش‌برداری استفاده شده و پس از جمع‌آوری با شیوه‌های کیفی تجزیه و تحلیل شده‌اند.

۱- Jean Jacque Rousseau.

۲- Ulich.

یافته‌های پژوهش

سؤال اول: اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه حضرت علی علیه السلام کدامند؟

حضرت علی علیه السلام با اگاهی از اهمیت به موقع تربیت فرزندان، از پدران و مادران می‌خواهد که پیش از آنکه کار تربیت فرزندانشان دشوار شود و گرفتار انحراف و فساد شوند، به تربیت آن‌ها همت گمارند و هیچ فرصتی را از دست ندهند. آن حضرت در نامه خویش به فرزندش امام حسن علیه السلام در این باره چنین می‌فرماید: «... ای بنی انی لما رایتنی قد بلغت سنا و رایتنی ازداد و هنا بادرت بوصیتی الیک و اوردت خصالا منها قبل ان یعجل بی اجلی دون ان افضی الیک بما فی نفسی ...؛ پس در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آنکه دل تو سخت شود و عقل تو به چیز دیگری مشغول گردد، تا به استقبال کارهایی بروی که صاحبان تجربه، زحمت آزمون آن را کشیده‌اند و تو را از تلاش و یافتن، بی نیاز ساخته‌اند.» (دشتی، ۱۳۷۹: ۵۲۳-۵۲۱).

با توجه به اهمیت تربیت اخلاقی برای امام علی علیه السلام نمونه‌های زیر اصول اخلاقی امام علی علیه السلام را در تربیت اخلاقی کودکان تشکیل می‌دهد:

اصول اخلاقی در تربیت اخلاقی کودکان از دیدگاه حضرت علی علیه السلام

تربیت اخلاقی تدریجی

پرورش اخلاقی، باید با برنامه‌ریزی زمان‌بندی شده، همراه با تربیت بدن و به پیروی از عقل، مبتنی به شناخت نیازها، علایق و قابلیت‌ها انجام شود. رشد باید مرحله‌به‌مرحله صورت پذیرد و حرکت جهشی و تغییر ناگهانی امکان‌پذیر نیست. در گذر از هر مرحله به مرحله بعد، باید متناسب با تغییرات و وضع

جدید سازمانِ ذهنی عمل کرد (اسلامی، ۱۳۷۹)؛ از این رو، در آموزه‌های دینی به رعایت ظرفیت‌ها و توانایی‌های ذهنی و عقلی و روحی در پرورش و رشد اخلاقی تأکید شده است.

ایمان و اخلاق و التزام عملی به دین، سطوح و لایه‌های متفاوتی دارد و هر کس نیز بنابر ظرفیت و قابلیتش، سطح و درجه‌ای از ایمان و اخلاق را دارد. همین مضمون در کلام علوی این‌گونه بیان شده است:

«آدمی به لحاظ روانی وضعیت‌های گوناگونی دارد؛ گاهی در نشاط و شادابی و سرسبز و خرم است و گاهی خسته و افسرده و در هاله‌ غم است. آنگاه که جان در نشاط و شادابی است، اضافه بر عبادت‌های واجب، نوافل را نیز بر آن بار و سوار کن؛ اما آنگاه که روان خسته و افسرده و در وادی غم است، به کمترین مرز نصاب واجبات کفایت کن.» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۱۲، به نقل از فرمehینی فراهانی، ۱۳۹۰: ۱۵۰).

حضرت علی علیه السلام درباره تدریجی بودن رشد و تربیت می‌فرمایند:
 «يُرْتَبَى الصَّبِيُّ سَبْعًا، وَ يُؤَدَّبُ سَبْعًا، وَ يُسْتَخْدَمُ سَبْعًا، وَ مِنْتَهَى طَوْلُهُ فِي ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ...» (حرعاملی، ۱۳۸۷، ج ۲۱: ۴۷۵).

حضرت علی علیه السلام دوران رشد کودکان را به سه دوره مختلف تقسیم‌بندی می‌کنند:

۱ تا ۷ سالگی (دوره سروری): در ۷ سال اول زندگی کودک به زعم حضرت علی علیه السلام کودک باید سیدی و سروری کند و به اصطلاح، کودک باید آقای خانه باشد و والدین باید برای تأمین احتیاج‌های او تلاش کنند.

۷ تا ۱۴ سالگی (آشنایی با مسئولیت): در ۷ سال دوم زندگی، کودک دیگر به صورت جدی وارد جامعه می‌شود و باید در بستر تعلیم و تربیت قرار گیرد.

در این سن به نظر حضرت علی علیه السلام والدین باید زمینه‌های آشنای کودک با مسؤلیت‌های مختلف را فراهم آورند.

۱۴ تا ۲۱ سالگی (مشاور): در ۷ سال آخر، کودک دیگر به سنین نوجوانی رسیده و نیازمند توجه بیشتر والدین است. به نظر حضرت علی علیه السلام در این سنین باید والدین به دیده یک مشاور به فرزندان خود نگاه نمایند.

با توجه به تقسیم‌بندی بالا، تربیت اخلاقی کودکان هم باید مراحل مختلف را طی نماید. بدین منظور لازم است والدین برای تربیت درست کودکان خویش، رفتار خود را تا سرحد کودکی تنزیل نمایند: «مَنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ صَبَا» (حرعاملی، به نقل از تنکابنی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۷۰). در هر یک از این مراحل، آموزش اخلاق به صورت تدریجی و مناسب با سن رشد کودکان صورت می‌گیرد. بدون شک افراط و تفریط در آموختن افعال اخلاقی در این سنین چیزی به جزء سردرگمی برای کودکان نخواهد داشت.

تربیت اخلاقی آزادمنشانه

تربیت اخلاقی کودکان که مبتنی بر زور و اجبار باشد، نتیجه مطلوبی نخواهد داشت و والدین باید با تکیه بر آزادی فردی آن‌ها به این امر مبادرت ورزند.

حضرت علی علیه السلام درباره زور و اجبار می‌فرمایند:

«العَسْفُ يَعُودُ بِالْجَلَاءِ وَالْخَيْفُ يَدْعُو إِلَى السَّيْفِ؛ ستمگری و چیرگی بر افراد،

آوارگی را برای آن‌ها به همراه خواهد داشت.» (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۶).

اخلاق مقوله‌ای است که نمی‌توان با اجبار به کودکان آموخت و از آن‌ها انتظار رفتار اخلاقی داشت. باید والدین و مربیان در خصوص تربیت اخلاقی از خود سعه صدر نشان دهند که بدون شک هیچ عملی با زور و اجبار به جای نمی‌رسد.

آنچه در حوزه تربیت اخلاقی پاسخ‌گو است، روش آزادمنشانه است؛ از این روست که خداوند سبحان در آیه ۲۱ سوره غاشیه حتی سلطه و سیطره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر افراد را در جهت هدایت و تربیت نفی کرده است و می‌گوید:

«إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ؛ ای پیامبر! تو باید تذکر دهی، نه آنکه چیرگی بر افکار مردم را بخواهی.» (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۰: ۱۵۲).

تربیت اخلاقی به وسیله الگوگیری

از امور مهم در تربیت فرزندان الگودهی سالم است. در تربیت حذف الگوی ناسالم کافی نیست؛ بلکه الگوهای سالم نیز باید معرفی شوند. علی عَلَيْهِ السَّلَام در این باره می‌فرماید:

«والاخذبما مضى عليه الاولون من آبائك، و الصالحون من اهل بيتك، فانهم لم يدعوا ان نظروا...؛ و پیمودن راهی است که پدران و صالحان خاندانت پیموده‌اند، زیرا آنان آن‌گونه که تو در امور خویشتن نظر می‌کنی، در امور خویشتن نظر داشتند و همان‌گونه که تو درباره خویشتن می‌اندیشی، درباره خودشان می‌اندیشند و تلاش آنان در این بود که آنچه را شناختند، انتخاب کنند و بر آنچه تکلیف ندارند، روی گردانند و اگر نفس تو از پذیرفتن سرباز زند و بخواهد آنچه آنان دانستند بدانند، پس تلاش کن تا درخواست‌هایت از روی درک و آگاهی باشد ... و قبل از پیمودن راه پاکان از خداوند استعانت بجوی...» (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ۱۳۷۹: ۵۲۵-۵۲۳).

در فراز دیگری از نامه حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام به فرزندش امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام ایشان می‌فرمایند:

«أَيُّ بَنِي إِيَّانِي وَإِنْ لَمْ أَكُنْ عُمَرُوتُ عُمَرُوتُ مَنْ كَانَ قَبْلِي فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَ فَكَّرْتُ فِي أَخْبَارِهِمْ وَ سِرَّتُ فِي آثَارِهِمْ حَتَّى عَدْتُ كَأَحَدِهِمْ بَلْ كَأَنِّي بِمَا إِنْتَهَى إِلَيَّ مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُمَرْتُ مَعَ أَوْلِهِمْ إِلَيَّ آخِرِهِمْ فَعَرَفْتُ صَفْوَ ذَلِكَ مِنْ

كَدْرِهِ وَ نَفْعُهُ مِنْ ضَرَرِهِ ...؛ بسرم! درست است که من به اندازهٔ پیشینیان عمر نکرده‌ام؛ اما در کردار آن‌ها نظر افکندم و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم تا آنجا که گویا یکی از آنان شده‌ام، بلکه با مطالعه تاریخ آنان، گویا از اوّل تا پایان عمرشان با آنان بوده‌ام؛ پس قسمت‌های روشن و شیرین زندگی آنان را از دوران تیرگی شناختم و زندگی سودمند آنان را با دوران زیانبارش شناسایی کردم (نهج البلاغه، ترجمه علامه جعفری، ۱۳۸۶: ۳۷۳).

کودکان باید الگوهای اخلاقی مطلوبی داشته باشند. والدین و معلمان کودکان در صورت رفتار درست می‌توانند به بهترین الگو برای کودکان تبدیل شوند. سن کودکی به دلیل دوره تقلید کودکان از بزرگسالان بسیار حساس است و کودکان باید الگو مطلوبی داشته باشند. از سوی دیگر، کودک با اندیشه در آثار گذشتگان می‌تواند بسیاری از رفتارها اخلاقی مطلوب را به دست آورد.

روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه حضرت علی علیه السلام

حکمت

به‌کارگیری روش حکمت در امر هدایت و تربیت اخلاقی انسان‌ها، یکی از روش‌های ارزشمندی است که امام علی علیه السلام همانند قرآن در کنار «موعظه» و «مجادله» به آن توجه فرموده است. حکمت در لغت به معنای «منع» است و از آنجا که علم، دانش، منطق و استدلال، مانع از فساد و انحراف است، به آن حکمت گفته می‌شود (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۲، ج ۱۱: ۴۵۵).

به عبارت دیگر، منظور از حکمت در تربیت اخلاقی، تدبیر داشتن در آموختن و نظارت بر اعمال اخلاقی کودکان است. وقتی کسی دارای حکمت باشد، می‌تواند با تدبیر سخن بگوید، با تدبیر اندیشه کند و...؛ از این رو، امام علی علیه السلام در نامهٔ خود به فرزندشان امام حسن علیه السلام می‌فرماید:

«فَلْيَكُنْ طَلْبُكَ ذَلِكَ بِنَفْسِهِمْ وَ تَعْلَمِ لَأَبْتَوْرَطِ الشُّبُهَاتِ وَ عُلِقِ الْخُصُومَاتِ؛ تلاش کن تا درخواست‌های تو از روی درک و آگاهی باشد، نه آنکه به شبهات روی آوری و از دشمنی‌ها کمک گیری.» (نهج‌البلاغه، ترجمه دشتی، ۱۳۸۶: ۳۳۷).

از جلوه‌های دیگر حکمت در تربیت اخلاقی کودکان آموزش تدبیر در سخن گفتن است. تدبیر در سخن به معنای دوراندیشی، تفکر، آگاهی، تعقل و... در کلام است. تدبیر در سخن، تدبیر در اخلاق را به بار خواهد آورد. در روایات، بر سخن به‌جا گفتن بسیار تأکید شده است. در این راستا، حضرت علی عليه السلام می‌فرماید:

«مَا فَرَطَ مِنْ صَمْتِكَ أَيْسُرُ مِنْ إِذْرَاكَ مَا فَاتَ مِنْ مُنْطِقِكَ وَ حِفْظُ مَا فِي الْوَعَاءِ بِشِدِّ الْوِكَاءِ وَ حِفْظُ مَا فِي يَدَيْكَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ طَلْبِ مَا فِي يَدِي غَيْرِكَ وَ مَرَارَةُ الْيَأْسِ خَيْرٌ مِنَ الطَّلَبِ إِلَى النَّاسِ؛ آنچه با سکوت از دست می‌دهی، آسان‌تر از آن است که با سخن از دست برود؛ چرا که نگهداری آنچه در شک است با محکم‌بستن دهانه آن امکان‌پذیر است و نگهداری آنچه که در دست داری، پیش‌تر از آنکه چیزی از دیگران بخواهی و تلخی ناامیدی بهتر از درخواست کردن از مردم است. هر کس پُر حرفی کند، یاهو می‌گوید. آن کس که بیندیشد، آگاهی می‌یابد.» (نهج‌البلاغه، ترجمه دشتی، ۱۳۸۶: ۳۸۱).

حضرت در فرازی دیگر می‌فرماید:

«إِيَّاكَ أَنْ تَذْكَرَ مِنَ الْكَلَامِ مَا يَكُونُ مُضْحِكًا وَ إِنْ حَكَيْتَ ذَلِكَ عَنْ غَيْرِكَ؛ از سخنان بی‌ارزش و خنده‌آور بپرهیز، گرچه آن را از دیگری نقل کرده باشی.» (نهج‌البلاغه، ترجمه دشتی، ۱۳۸۶: ۳۸۳).

بی‌تردید انسانی که با حکمت قدم بر دارد، در زندگی به موفقیت‌های زیادی دست پیدا خواهد کرد. در تربیت کودکان به‌ویژه تربیت اخلاقی آن‌ها باید از

روش‌های حکیمانه سود جست. باید به کودکان یاد داد که چگونه با دیگران معاشرت داشته باشند و روابط خود را با دیگران بر چه اساسی استوار سازند.

روش تربیت عقلانی

از جمله امتیازات انسان نسبت به موجودات دیگر، داشتن همین قوه عقلی است. نیروی عقل و اندیشه است که عامل برتری انسان نسبت به سایر موجودات است. علامه طباطبایی؛ می‌گوید:

«خدای متعال در قرآن، عقل را به نیرویی تعریف کرده که انسان در دینش از آن بهره‌مند شود، و به وسیله آن راه را به سوی حقایق معارف و اعمال صالح پیدا نموده و در پیش گیرد.» (طباطبایی، ۱۴۱۷).

تعقل ابزاری برای سیر در هستی و آفاق است. کسی که از عقل سالم و کاملی برخوردار است، می‌تواند بهتر به تفکر بپردازد. حضرت علی علیه السلام درباره انسان عاقل در نامه‌اش می‌فرماید:

«فَإِنَّ الْعَاقِلَ يَتَعَطَّى بِالْأَدَابِ الْبِهَائِمِ لَا تَتَعَطَّى إِلَّا بِالضَّرْبِ؛ عاقل با اندرز و آداب پند می‌گیرد و حیوان با زدن.» (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ۱۳۸۶: ۳۸۳).

حضرت امیر در روایتی دیگر درباره تعقل می‌فرمایند:

«لا غنى كالعقل و لا فقر كالجهل؛ هیچ ثروتی چون عقل و هیچ فقری چون نادانی نیست.» (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ۱۳۸۶: حکمت ۵۴).

منظور از روش عقلانی در تربیت اخلاقی این است که باید کودکان همان‌طور که از نظر جسمانی رشد می‌کنند، از نظر عقلانی هم پرورش یابند. در این صورت، آن‌ها به مراتب اخلاقی صعود خواهند کرد. در واقع، روش عقلانی بیان می‌کند که باید به کودکان اندیشه‌کردن با عقل را یاد داد. پس از این مرحله

آن‌ها باید خود به قضاوت و ارزش‌گذاری قضایا مبادرت ورزند و عقل‌ابزاری باشد برای آن‌ها در راستای شناخت رفتارهای عقلانی و رسیدن به مقصود که همان خوشبختی دنیوی و اخروی است.

روش تربیت منفی در تربیت اخلاقی

امام علی علیه السلام تربیت منفی را این‌گونه تبیین می‌کنند که علاوه بر حفظ کودک از عوامل منحرف‌کننده، باید در هر مقطع سنی به‌ویژه در کودکی و نوجوانی حتی المقدور با روش‌های گوناگون از جمله پند و نصیحت، کودک را متوجه امور پسندیده نمایند؛ با زبان کودکانه مسائل معنوی را مطرح ساخته و فرد را به سوی آن سوق دهند و افراد را در سنین شکل‌پذیری به‌تدریج با اجتماع و مسائل آن آشنا سازند.

البته بدیهی است که هر مربی و پرورشکاری باید رفیق و مدارا و پرورش‌تدریجی را کاملاً مدنظر خود قرار داده و گام‌به‌گام در تربیت کودک بکوشد و به استعداد و ظرفیت او برای آموزش مسائل دیگر توجه کند تا بتواند به هدف خود نائل شود. نباید در هیچ مرحله‌ای مسائل را یک‌باره بر کودک تحمیل نمود؛ بلکه با فراهم آوردن مقدمات، آن‌هم به‌طور تدریجی، حقایق را به او تعلیم داد (حجتی، ۱۳۶۱).

باتوجه به مطب‌یادشده، تربیت منفی در اندیشه تربیت اخلاقی امام علی علیه السلام بر دو رکن استوار است:

الف) پند و موعظه:

«يَا بَنِيَّ إِنِّي قَدْ أَنْبَأْتُكَ عَنِ الدُّنْيَا وَحَالِهَا وَرَوَالِهَا وَتِنَقَالِهَا وَأَنْبَأْتُكَ عَنِ
الْآخِرَةِ وَ مَا أَعَدُّ لِأَهْلِهَا فِيهَا...؛ ای پسر من! من تو را از دنیا و تحولات

گوناگونش و نابودی و دست‌به‌دست گردیدنش آگاه کردم و از آخرت و آنچه برای انسان‌ها در آنجا فراهم است، اطلاع دادم و برای تو از هر دو مثال زدم تا به آن پند پذیری و راه و رسم زندگی بیاموزی.» (نهج‌البلاغه، ترجمه علامه جعفری، ۱۳۸۶: ۸۶۹).

ب) تدریجی بودن تربیت: تربیت اخلاقی کودکان باید با توجه به سن رشد آن‌ها صورت گیرد و عجله در این مورد، کمکی به تربیت صحیح او نخواهد نمود.

اصول	روش
تدریجی	حکمت
تربیت اخلاقی آزادمنشانه	عقلانی
الگوگیری	منفی

شکل ۱- اصول و روش‌های تربیت اخلاقی امام علی (ع)

سؤال دوم: اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه روسو کدامند؟
 روسو تربیت اخلاقی را برای افرادی که در جامعه حضور دارند و می‌خواهند در آن زندگی کنند، ضروری می‌داند و اعتقاد داشت که آن جامعه‌ای خوب است که افراد را از شرایط فسادآلود دور کند. در واقع، فرد را از موقعیت تباهی بر حذر دارد (صانعی دره بیدی، ۱۳۸۷: ۴۴۴).
 وی در تربیت اخلاقی به این دیدگاه معتقد بود که برترین جنبه انسان که او را از دیگر جانوران ممتاز می‌کند، وجدان اخلاقی یعنی توانایی تشخیص نیک از شر و گرایش به نیکی است. انسان به طبیعت پاک و نیک است. وجدان او ندایی آسمانی و داور نیکی و بدی است و افرادی که در طبیعت پرورش یابند،

هنگامی که وارد جامعه شوند از نظر اخلاقی بسیار خوب رفتار خواهند کرد؛ چرا که طبیعت فرد، پاک است و به طبع از نظر اخلاقی هم در وضعیت خوبی قرار خواهد گرفت. آن چیزی که کودک را خراب خواهد کرد، جامعه فسادآلود است (روسو، ۱۳۴۲: ۱۶).

در فطرت انسان‌ها، اخلاق خوب نهفته است و فقط باید آن‌ها را پرورش داد و به ظهور رساند؛ از این رو، تربیت اخلاقی، آموختن اخلاق نیست؛ بلکه فراهم آوردن زمینه‌ای است برای واقعیت یافتن نیکی طبیعت انسان و بیدار شدن و به کار آمدن وجدان اخلاقی (نقیب‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۲۹).

اصول تربیت اخلاقی از دیدگاه روسو

تربیت اخلاقی تدریجی

روسو در کتاب /میل^۱ مراحل چندگانه زیر را برای رشد و نمو انسان بیان می‌کند: مرحله طفولیت (از تولد تا پنج‌سالگی؛ کودکی (از ۵ تا ۱۲ سالگی)؛ پیش‌نوجوانی (۱۲ تا ۱۵ سالگی)؛ نوجوانی (۱۵ تا ۱۸ سالگی)؛ سرآغاز بزرگسالی (از ۱۸ تا ۲۰ سالگی) (گوتک، ۱۳۸۹: ۱۰۰)؛ از این رو، تربیت اخلاقی باید متناسب با سن کودک صورت گیرد؛ البته روسو اعتقادی به تربیت اخلاقی در سنین اولیه ندارد.

روسو در کتاب ارزشمند خود «امیل» می‌گوید:

«مسائل اخلاقی باید متناسب با سن کودک آموزش داده شوند. برای کودکی که هنوز به سن بلوغ نرسیده است، مسائل اخلاقی و روابط اجتماعی مفهومی ندارد؛ بنابراین باید حتی‌الامکان از استعمال کلماتی که این مفاهیم را بیان

۱-Emile.

می‌کند، اجتناب کرد تا کودک از همان اول برای این کلمات مفاهیم غلط قائل نشود.» (روسو، ۱۳۴۲: ۵۸).

روسو در جایی دیگر می‌گوید:

«با شاگرد خود متناسب با سنش رفتار نمایند.» (روسو، ۱۳۴۲: ۶۹).

هم‌چنین وی می‌گوید:

«با بزرگ باید مثل بزرگ رفتار کرد و با بچه مثل بچه، تنها کاری که می‌توانیم برای سعادت آدمیان بکنیم این است که هر کس را به جای خود بنشانیم، و تمایلات انسانی را طبق سازمان جسمی و روحی او منظم سازیم و غیر از این، کاری از ما ساخته نیست. باقی تابع علل خارجی است که در اختیار ما نیست.» (روسو، ۱۳۴۲: ۵۸).

در همین خصوص او برای معلمانی که می‌خواهند به تربیت کودکان بپردازند، شرایطی را معین می‌کند که به شرح زیر است:

«معلم در درجه اول کسی است که با طبیعت کاملاً هماهنگ باشد. معلم که نقش تربیتی محیطی را درک می‌کند، در طبیعت دخالت نمی‌کند، بلکه با جزر و مد نیروهای طبیعی همکاری می‌کند. مهم آنکه با وقوفی که معلم نسبت به مراحل رشد و نمو آدمی دارد، امیل را مجبور به یادگیری نمی‌کند؛ بلکه یادگیری را از طریق تحریک او به کاویدن و بالیدن از راه تعامل با محیط خویش، ترغیب می‌کند. ثانیاً معلم به‌عنوان پرورشکار که برای یادگیری امیل عجله‌ای ندارد، فردی صبور، سهل‌انگار و بی‌آزار است. امیل موقعی یاد می‌گیرد که آماده باشد. معلم در مقام پرورشکار موافق روشی کشفی است که طی آن محصل دانش را خود کشف می‌کند، بی‌آنکه معلم نهایتاً آن را به وی ارزانی دارد. معلم که در خود شکیبایی زیادی نشان می‌دهد، نمی‌تواند

«حقیقت» را به معلم عرضه نماید، بلکه باید یا پس بگذارد و شاگرد را به خوداکتشافی ترغیب نماید (کوَتگ، ۱۳۹۱: ۱۱۰).

از سوی دیگر او می‌گوید:

«برای طفلی که هنوز به سن بلوغ نرسیده است، مسائل اخلاقی و روابط اجتماعی مفهومی ندارد؛ بنابراین، باید حتی الامکان از استعمال کلماتی که این مفاهیم را بیان می‌کند، اجتناب نماید تا مفاهیم غلط این کلمات را از همان اوّل از سر کودک بیرون کنیم.» (روسو، ۱۳۴۲: ۶۶).

تربیت اخلاقی در روسو

روسو در ابتدای کتاب *قراردادهای اجتماعی* این‌گونه بیان می‌کند:

«انسان آزاد آفریده شده است؛ اما همه‌جا در بند است.» (روسو، ۱۳۶۶: ۱۱).

روسو در اوّل کتاب *امیل* می‌گوید:

«هرچه از دست خالق عالم (جلّ شأنه) بیرون می‌آید، از عیب و نقص مبری است؛ ولی به محض اینکه به دست اولاد آدمی برسد، فاسد می‌شود.» (روسو، ۱۳۴۲: ۵).

روسو معتقد است که تربیت اخلاقی باید به صورت آزادانه انجام شود و هیچ

تلاشی با اجبار به ثمر نمی‌رسد.

«هر وقت کار می‌کند، نباید تصور کند که فرمان می‌برد و هر وقت شما برایش کاری انجام می‌دهید، نباید فکر کند که فرمان می‌دهد. باید در اعمال خودش و کردار شما، چیزی جز آزادی نبیند. به نیروی ضعیف او تا حدی کمک کنید که آزاد بار بیاید و نه امر. باید از درک کمک‌های شما خجل باشد و آرزوی

زمانی را بکشد که بتواند از آن چشم ببوشد و افتخار داشته باشد که خودش به خود کمک کند.» (روسو، به نقل از بلاغت، ۱۳۸۶: ۲۱).

روسو، تربیت را بیش از هر چیز در حفظ طبیعت انسانی از پلیدی‌های جامعه می‌شمرد. برترین جنبه انسان که او را از دیگر جانوران متمایز می‌کند، وجدان اخلاقی، یعنی توانایی تشخیص نیک از شر و گرایش به نیکی است. انسان پاک و نیک است. وجدان او ندایی آسمانی دارد و داور نیکی و بدی است. روسو از لزوم پرورش خواسته‌های حقیقی و طبیعی و تبدیل حرص و تمایلات به سوی تمایلات و گرایش‌های خلاق و مثمر سخن می‌گوید و اظهار می‌کند: «اگر طبیعت جوان، مخوف و نابود نگردد، نهایتاً احساسات اخلاقی بزرگ، نظیر عشق، عدالت و وظیفه رشد خواهد کرد.»

اعتقادات روسو در زمینه پرورش اخلاقی افراد، ناشی از این امر است که وی اعتقاد دارد که انسان قادر است غرائزش را انتخاب کند (حسینی، صفدریان، ۱۳۹۲). به عقیده روسو، دو گزینه اصلی، یعنی صیانت نفس یا خودپرستی و گزینه نوع دوستی یا دیگرخواهی در طبیعت بشر وجود دارد. انسان اصالتاً خوب و همدل است و دارای وجدانی است که او را در خصوص داوری درباره درستی و نادرستی چیزها قادر می‌سازد.

از نظر روسو، در حالی که غرایز اولیه باعث اتحاد و یگانگی انسان‌ها می‌شوند، عقل، آن‌ها را از هم جدا می‌کند؛ از همین رو، وجدان و عقل در کنار هم می‌توانند تمایلات انسان را محدود نمایند (والتر، ۱۹۷۳: ۱۶۵). به‌طور

خلاصه روسو هیچ اجباری را در تربیت اخلاقی کودک نمی‌پذیرد و معتقد است که کودک در اجتماع، اخلاق را در مواجهه با دیگران خواهد آموخت.

تربیت اخلاقی به وسیله الگوگیری

به نظر روسو راه درست تربیت، همانا راه طبیعت است؛ از این رو، نخستین کار مربی باید شناختن کودک و قانون‌های طبیعی رشد باشد. تا امیل به ۱۲ سالگی نرسد، از روی کتاب به او درس نمی‌دهد، بلکه او را بر آن می‌دارد تا در کتاب طبیعت مطالعه کند، در آنچه پیرامون اوست دقت و تجربه نماید و از این راه، حواس خود را پرورش و از راه بازی و ورزش نیرومند شود (نقیب‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۲۸). روسو معتقد است که طبیعت بهترین الگو برای شناخت و یادگیری افعال اخلاقی هستند؛ فردی می‌تواند به اخلاقیات دست یابد که بیرو طبیعت باشد.

روسو هم‌چنین معلم را راهنمای دانش‌آموز در تربیت می‌داند و تأکید می‌کند که معلم خود اول از همه باید به افعال اخلاقی پایند باشد. به یاد داشته باشید قبل از آنکه به خود جرأت دهید انسانی را تربیت کنید، باید خودتان به خوبی تربیت شده باشید، باید بتوانید خودتان را از هر لحاظ سرمشق قرار دهید (روسو، ۱۳۴۲: ۲۱).

تربیت اخلاقی کودک باید به وسیله مربی و معلمی صورت گیرد که پایند به اخلاقیات است و قصد او ظاهر فریبی نباشد. ای آموزگاران، ظاهر سازی را ترک کنید. واقعاً پرهیزکار و نیک باشید. باید رفتار خوب شما نخست در خاطر شاگردان شما نقش ببندد، پس در قلبشان تأثیر کند، من به جای اینکه خیلی زود از شاگرد خود بخواهم که صدقه بدهد، ترجیح می‌دهم در حضور او این کار بکنم (روسو، ۱۳۴۲: ۸۲). او شاگرد خود را تشویق می‌کند تا از الگوی

خوب تقلید کند. او منظره، صحنه‌ها و تجربیات مناسبی را درخصوص شرایط صحیح رفتار شاگرد و آمادگی او برای زندگی فراهم می‌سازد (اولیچ، ترجمه شریعتمداری، ۱۳۷۵: ۱۲۱).

روسو درخصوص الگوگیری و تقلید دربارهٔ آموختن اخلاقیات این‌گونه می‌گوید: «تقلید در کارهای خوب و اخلاقی فی‌نفسه خوب است و اشکالی ندارد؛ اما نکتهٔ مهم اینجاست که اگر فردی از رفتار اخلاقی دیگری تقلید می‌نماید، آن فرد باید ظاهرسازی را ترک نماید و از روی صداقت اعمال خود را انجام دهد (روسو، ۱۳۴۲: ۸۲-۸۳).

روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه روسو

تجربه

نباید به شاگرد دستور شفاهی داد. بگذارید تنها تجربه، او را تعلیم دهد؛ بنابراین باید تربیت اولیه منحصراً منفی باشد. ولی همیشه در طبیعت طفل دقت نماید تا بتوانید روحیهٔ او را کشف کنید (روسو، ۱۳۴۲: ۷۱). از این رو، به زعم روسو حضور کودک در جامعه، البته در سنین بالا، می‌تواند به فراگیری اخلاق در افراد کمک کند و هم‌چنین تجربیات خود افراد می‌تواند کمک شایانی برای تربیت اخلاقی درست باشد.

در شیوهٔ تربیتی روسو، معلم شخص آسان‌گیری است که همراه شاگردان خویش به یادگیری می‌پردازد. با اینکه روسو اهمیت فکری علوم و هنرها را تصدیق می‌کرد، ولی بر اهمیت تجربهٔ مستقیم فرد از محیط طبیعی تأکید می‌کرد (روسو، ۱۳۴۲: ۹۷). با توجه به مطالب یادشده، روسو در تربیت اخلاقی هم، به کسب تجربه درخصوص اخلاقیات تأکید می‌کند.

روش تربیت عقلانی

بهترین تربیت آن است که شخص را عاقل بار بیاورد؛ ولی مریبان امروزی می‌خواهند فقط با دلایل عقلانی طفل را به این مرتبه برسانند؛ مثل این است که کسی بخواهد کاری را از آخر شروع کند و نتیجه عملی را ابزار انجام آن عمل قرار دهد. اگر کودکان دلایل عقلی را می‌فهمیدند، دیگر احتیاج به تربیت نداشتند. اگر از اول طفولیت با کودکان به زبانی صحبت کنیم که نمی‌فهمند، آن‌ها را عادت می‌دهیم کلمات بیهوده و بی‌مورد استعمال نمایند. آنچه به ایشان گفته می‌شود، به عقل خود می‌سنجند و خویشتن را به اندازه استاد خود عاقل می‌دانند و در نتیجه، سرکش و طالب جرو بحث بار می‌آیند؛ تمام کارهای که به عقیده شما طفل از روی عقل انجام داده است، عقلانی نبوده، بلکه نتیجه حس آز، ترس و خودپسندی است که در وی تحریک نموده‌اید (روسو، ۱۳۴۲: ۶۷).

روسو در جای دیگر از کتاب *امیل* می‌گوید:

«عقل پایه و اساس تربیت اخلاقی است. تا فرد از نظر تربیت عقلانی به شرایط مطلوب نرسد، نمی‌تواند به اخلاقیات دست یابد. عقل است که به شما می‌گوید آیا این یک فعل رفتاری مطلوب است یا نه و در نهایت برای رسیدن به تربیت اخلاقی اول باید تربیت عقلانی را جدی گرفت.» (روسو، ۱۳۴۲).

روش تربیت منفی در تربیت اخلاقی

روسو در تربیت اخلاقی به ویژه بر مفهوم تربیت منفی تکیه می‌کند. لازم نیست برای کودکان درباره اهمیت راستی و درستی سخن بگوییم. کافی است دورویی را به آنان نیاموزیم و به دروغ گفتن و ادارشان نکنیم. به جای پند و

اندرز و هم‌چنین منع کردن و بازداشتن، بهتر است زمینه‌ای برای حرکت، فعالیت، بازی و ورزش پدید آوریم. به نظر روسو، تربیت درست تربیت منفی است؛ یعنی برای اینکه طبیعت بتواند آزادانه رشد کند، باید کودک را از جامعه دور نگه داشت تا به سن عقلی برسد (کاردان، ۱۳۸۱: ۱۳۸). البته بیشتر منظور جوامع فاسد هستند نه همه جوامع.

هم‌چنین روسو در باب تربیت اخلاقی، معتقد است که نیازی نیست والدین به فرزندان خود بگویند چه چیزی خوب است و چه چیزی بد. فقط باید آن‌ها را از کارهای انحرافی دور نگه داشت (دوری از محیط آلوده به فساد)، هم‌چنین آن‌ها را تحت فشار قرار ندهیم تا برای انجام کارهای خود دلیل بیاورند. در صورت پافشاری والدین برای دلیل کارهای کودک، آن‌ها متوسل به دروغگوئی می‌شوند. روسو به این نوع تربیت، تربیت منفی می‌گوید.

با توجه با آراء روسو در باب تربیت اخلاقی می‌توان این طور نتیجه‌گیری کرد که روسو درباره تربیت اخلاقی قائل به دو نکته است: ۱- انسان در هنگام تولد دارای فطرتی پاک است و جامعه است که او را به سمت فساد و آلودگی سوق می‌دهد؛ ۲- تربیت منفی می‌تواند روشی باشد در تربیت اخلاقی برای فرد، بدین معنا که نیاز نیست کسی به فرد یاد دهد که چه چیزی خوب است و چه چیزی بد. فقط باید افراد را از شرایط فسادآلوده دور کرد. در این صورت، آن‌ها خود یاد خواهند گرفت که به سمت اعمال فاسد نروند و طبیعت راه درست زندگی کردن را به افراد نشان خواهد داد.

من با تمام قوا می‌گویم که آموزش و پرورش خوب باید منفی باشد. اگر از ظهور فساد جلوگیری کنید، به اندازه کافی به پیدایش تقوا کمک نموده‌اید

(روسو، ۱۳۶۶: ۲۰۸). چیزی که مربی روی آن تأکید خاص دارد، تجربیاتی است که کودک باید هماهنگ با رشد بدنی و روانی خود داشته باشد (اولیچ، ۱۳۷۵: ۱۲۱). به نظر روسو، همانا بهترین راه تربیت کودک پیروی از راه طبیعت است. اگر می‌خواهید کودکانان تربیت بهتری داشته باشد، او را به دست طبیعت بسپارید (نقیب‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۲۸).

اصول	روش
تدریجی	تجربه
تربیت اخلاقی آزادمنشانه	عقلانی
الگوگیری	منفی

شکل ۲- اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه روسو

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در دیدگاه امام علی علیه السلام و روسو انجام شده است. اخلاق و تربیت اخلاقی به دلیل نقش و اهمیت اجتماعی که دارد از موضوعاتی است که همواره ادیان مختلف به آن توجه کرده‌اند. آیات و روایات اسلامی همواره بر نقش و اهمیت اخلاقیات در جامعه تأکید داشتند.

ائمه معصومین همواره در آثار خود بر نقش و اهمیت اخلاق و تربیت اخلاقی فرزندان تأکید داشتند. امام علی علیه السلام در موارد بسیاری بر جایگاه اخلاق در جامعه تأکید کرده است که ما در این مقاله با استفاده از

کتاب ارزشمند نهج البلاغه به برخی از اصول و روش‌های تربیت اخلاقی اشاره کردیم.

از سوی دیگر، ما به آراء روسو، دانشمند پُرآوازهٔ مغرب زمین دربارهٔ تربیت اخلاقی پرداختیم. با توجه به آراء امام علی علیه السلام و روسو، اصول تربیت اخلاقی عبارتند از: تدریجی بودن تربیت اخلاقی، آزادمنشانه بودن آن و الگوگیری مناسب اخلاقی است. دربارهٔ روش‌های تربیت امام علی علیه السلام ۷ ما می‌توانیم به روش‌های: حکمت، عقلانی و منفی اشاره کنیم و دربارهٔ روش‌های تربیت اخلاقی روسو هم می‌توان به روش: تجربی، عقلانی و منفی اشاره کرد. در پایان با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهادهایی برای بهبود تربیت کودکان ارائه می‌شود:

تربیت اخلاقی نوجوانان بر روی یک پیوستاری قرار دارد. تربیت اخلاقی کودکان باید متناسب با سن و عوامل رشدی و محیطی آن‌ها صورت گیرد و عدم توجه به این نکات می‌تواند مانعی در تربیت اخلاقی درست کودک باشد. وجود الگوهای اصیل که می‌توانند نماد اخلاق باشند، برای کودکان در هر جامعه‌ای ضروری است؛ از این رو، والدین و مربیان تعلیم و تربیت باید تا حد امکان مراقب افعال رفتاری خود در نزد کودکان باشند و آن‌ها را با الگوهای مطلوب آشنا سازند.

والدین و مربیان تربیتی باید زمینهٔ مشاهده و تجربهٔ کودک از افعال اخلاقی را فراهم آورند. تجربهٔ مستقیم مطلوب می‌تواند نقش زیادی در یادگیری تربیت اخلاقی سالم داشته باشد.

تربیت منفی می‌تواند راهی باشد برای ثمربخشی تربیت اخلاقی کودکان و این بستگی به اعمال والدین و مربیان دارد. با پرهیز از فساد و دورکردن

کودک از محیط آلوده به فساد می‌توان در راه رشد اخلاقیات کودکان گام مؤثری پیمود. پس والدین باید از رفتارهای انحرافی در حضور کودکان خودداری نمایند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اسلامی، احمد، ۱۳۷۹، «اصول اساسی در پرورش اخلاقی با تأکید بر دیدگاه امام علی علیه السلام»، مجموع مقالات همایش تربیت در سیره و کلام امام علی علیه السلام، کتاب چهاردهم، مرکز مطالعات تربیت اسلامی.
۳. اولیچ، رابرت، ۱۳۷۵، مریبان بزرگ، ترجمه علی شریعتمداری، چاپ اول، اصفهان: نشر معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
۴. بلاغت، سیدرضا، ۱۳۸۶، «معلم از منظر ژان ژاک روسو»، مجله رشد معلم، شماره ۲۰۸، صفحات ۲۰-۲۲.

۵. حجتی، سید محمدباقر، ۱۳۶۱، تعلیم و تعلم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۶. حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۳۸۷، وسایل الشیعه، ج ۲۱، بیروت: آل‌البیت علیهم‌السلام.

۷. حسینی، تقی‌آقا؛ صفدریان، صدیقه، ۱۳۹۲، «مقایسه تعلیم و تربیت کودکان از دیدگاه ابن‌سینا و ژان ژاک روسو»، پژوهش‌های اجتماعی اسلام، س ۱۹، ش ۱۴ (پیاپی ۹۹).

۸. روسو، ژان ژاک، ۱۳۴۲، امیل یا آموزش و پرورش، ترجمه غلامحسین زیرک‌زاده، تهران: چهره.

۹. روسو، ژان ژاک، ۱۳۶۶، امیل یا آموزش و پرورش، ترجمه منوچهر کیا، تهران: انتشارات سهامی عام.

۱۰. روسو، ژان ژاک، ۱۳۶۶، قرارداد اجتماعی، ترجمه منوچهر کیا، تهران: گنجینه.

۱۱. رهنما، اکبر، ۱۳۷۸، بررسی، تجزیه و تحلیل، خاستگاه‌ها، غایات و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه کانت و خواجه نصیرالدین طوسی، رساله دوره دکترا، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

۱۲. سادات، محمدعلی، ۱۳۸۴، اخلاق اسلامی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۱۳. سیدرضی، نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم: فرایض.

۱۴. سیدرضی، نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶، ترجمه علامه جعفری، چاپ سیزدهم، نشر فرهنگ اسلامی.

۱۵. صانعی دره‌بیدی، منوچهر، ۱۳۸۷، مبانی اندیشه‌های فلسفی،

تهران: امیرکبیر.

۱۶. صمدی، معصومه و دیگران، ۱۳۹۱، «مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۰، دوره جدید، شماره ۱۶، صفحات ۶۴-۳۷.

۱۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷، *المیزان فی تفسیر قرآن*، ج ۲، ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۱۸. فرمهینی فراهانی، محسن، ۱۳۹۰، *تربیت در نهج البلاغه*، تهران: آبیژ.

۱۹. کاردان، علی محمد، ۱۳۸۱، *سیر آراء تربیتی در غرب*. تهران: سمت.

۲۰. گوتک، جرال دال، ۱۳۸۹، *مکاتب فلسفی و آراء تربیتی*، ترجمه محمدجعفر پاک سرشت، چاپ دهم، تهران: سمت.

۲۱. گوتک، جرال دال، ۱۳۹۱، *مکاتب فلسفی و آراء تربیتی*، ترجمه محمدجعفر پاک سرشت، چاپ دوازدهم، تهران: سمت.

۲۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۲، *تفسیر نمونه*، ج ۱۷، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۲۳. نجارزادگان، فتح‌الله، ۱۳۸۸، *رهیافتی بر اخلاق و تربیت اسلامی*، قم: نشر معارف.

۲۴. نقیب‌زاده، میرعبدالحسین، ۱۳۸۹، *نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش*، تهران: طهوری.

۲۵. Schlangen, Walter (۱۹۷۳); *Demokratie und bürgerliche Gesellschaft*. W.Kohlhammer GmbH Verlag, Stuttgart.